



یخ شکن ها

چگونه همیشه در مکالمه حرفی برای زدن داشته باشیم؟

آنچه خواهید خواند:

مشکلی که همه ماها توی مکالماتمون برامون پیش اومده اینه که میخوایم مکالمه رو ادامه بدیم ولی نمیدونیم چی بگیم. توی اون لحظات که سکوت بدی هم فضا رو فرا میگیره و حس بدی پیدا میکنیم اصطلاحا میگی مکالمه یخ کرده.

Insta:wingman_farsi
Telegram:wingman_fa

یخ شکن ها

سلام

اگه درست حرف زدن رو بلد نباشیم خیلی وقتا پیش میاد که توی مکالمه به جایگاهی میرسیم که حرفی برای زدن نداریم و این مشکل در اوایل آشنایی و وقتی که هنوز یخ بین دو نفر آب نشده خیلی بیشتره. برای اینکه اون سکوت پیش نیاد و بتونیم مکالمه رو روان نگه داریم و بنظر نرسه که داریم زورکی تلاش میکنیم آشنا بشیم یا دختر رو کنجکاو کنیم که خودش بخواد با ما حرف بزنه و مکالمه رو ادامه بده از یخ شکنها استفاده میکنیم. استفاده از یخ شکنها دقیقا مثل زنجیر چرخه و باید قبل از اینکه به اون سکوت برسیم ازشون استفاده کنیم. بعد از یخ شکنها بر اساس نیازی که داریم و جایگاهی که هستیم از ضد یخ یا قصه گفتن استفاده میکنیم.

یخ شکن ها

یخ شکنها یه سوال یا ابراز نظر هستن به شکلی که دختر رو تحریک میکنن مکالمه رو ادامه بده. چیزی که توی ضد یخ میگیریم مهم نیست که واقعی یا دقیق باشه بلکه صرفا میخوایم کاری کنیم که مکالمه ادامه پیدا کنه و تو جایی گیر نکنیم.

مواردی که میشه توی ضد یخ ازشون استفاده کرد:

محل زندگی/شغل/کاری که همین الان داره انجام میده/نحوه حرف زدن/لباس

ساختارها:

محل زندگی:

بنظر میاد مل اینجا نیستی باید مال {فلان شهر} باشی.

واسه این حالت از شهر های اصفهان/تهران/ارشت/مشهد/قم یا نژاد خاص مثل عرب/ترک/الر یا.... استفاده نشه. بجاش از جاهایی که بار معنایی مثبتی مثل تبریز/شمال/کرمان/یزد دارن استفاده کنیم.

اگه هم دختر تو حلقه اجتماعی و میشناسیمش یا تو پروفایلش

اطلاعاتی داره که میدونیم که اهل کجاست میتونیم مستقیم درباره همون محل پرسیم.

مثال:

حرف زدن یجور خاصیه. فکر کنم باید مال یزد باشی.

یخ شکن ها

{دختر اهل مشهده} تو مشهدم در حد شیراز ترافیکه؟/تو مشهدم عید مثل اصفهان جوری مسافر میاد که دیگه تو شهر جای سوزن انداختن نیست؟

شغل:

بر اساس یه ویژگی شخصی دختر یه تخصص رو بهش نسبت میدیم. قبلش هیچ عبارتی مثل "انگار عجله دارین" یا "انگار سرتون شلوغه" یا "یه لحظه وقتتونو میگیرم" رو نگین چونکه اولاً نشون دهنده کمبود اعتماد به نفسه و دوماً به دختر فرصت دفاع و پس زدن مارو میده. واضحه که باید بدونیم دختر داره چیکار میکنه به همین خاطر فقط توی محیط روزانه کاربرد داره.

مثال:

متوجه شدم خیلی رسمی لباس میپوشی فکر کنم باید وکیل باشی./یه چیزی که درونت خیلی تحسین میکنم مهربونی زیادیه که برای بقیه خرج میکنی فکر کنم پرستار یا پزشکی./ رنگای روشنی که تو استایلت استفاده میکنی بهت میان. فکر کنم ریاضی میخونی.

کاری که همین الان داره انجام میده:

بر اساس کاری که همین الان دختر مشغول انجام دادنه یه پیشفرض استفاده میکنیم. مثلاً داره چیزی رو حل میکنه/تند یا اروم قدم میزنه/یه جایی نشسته و داره مطالعه میکنه.

یخ شکن ها

مثال:

دیدم خیلی اروم داری راه میری. از کلاس یوگا برمیگردی؟! / متوجه شدم داری {اسم کتاب یا مجله} رو میخونی. بهت میخوره خیلی ادم اهل مطالعه ای باشی. کتاب خوبیه؟

نحوه حرف زدن:

بر اساس یه ویژگی که به نحوه حرف زدن دختر مربوط باشه مثل لحن/واژه هایی که استفاده میکنه/تن صدا تبادل نظر میکنیم.

مثال:

چقدر آروم حرف میزنی! به قیافت نمیخوره اینقدره خجالتی باشی./ صدات خیلی خوبه تابحال فکر کردی خواننده بشی؟

لباس:

اظهار نظر درباره لباس میتونه درباره رسمی یا عادی بودن/پر از رنگ یا تعداد کمی رنگ داشتن/طرح لباس/رنگهای روشن یا تیره داشتن باشه.

مثال:

{دختر لباس رسمی میپوشه} فکر کنم بچه اولی معمولاً آدمایی که اعتماد به نفس بالایی دارن به لباسای رسمی علاقه دارن.

یخ شکن ها

{لباس با طرح های پر از رنگ و شاد پوشیده} احتمالا باید مال جنوب باشی. معمولا کسایی که اهل جنوبن به نقاشی و طرح های طبیعی خیلی علاقه دارن.

{لباس با رنگ روشن پوشیده} اگه اشتباه نکنم کارت حسابداریه معمولا آدمایی که ذهنشون منظمه به استفاده از رنگهای روشن تو لباس علاقه دارن.

تو همه این مثالها و ساختارهایی که استفاده کردیم نیازی نیست واقعا دختر این ویژگی ها رو داشته باشه بلکه مهم ادامه دادن مکالمه و خوش گذشتن به دختره که همین برای دختر جذابه.

قلاب انداختن:

قلاب انداختن یعنی به شکلی ابهام ایجاد کنیم که خود دختر تمایل داشته باشه از ما درباره موضوع خاصی سوال بپرسه. وقتی که میخوایم درباره موضوعی صحبت کنیم یا جذابیتی رو بروز بدیم منتهی نمیخوایم که تابلو کنه داریم مخ میزنیم یا بروز جذابیتمون جنبه عقده ای بودن پیدا کنه از قلاب انداختن استفاده میکنیم. وقتی دختر خودش از ما درباره موضوعی سوال بپرسه دیگه مخ زدن محسوب نمیشه. موضوعی که داریم واسش قلاب میزاریم باید جزو موضوعات جذاب باشه. اگر هم دختر قلاب رو نگرفت اظهار نظر مستقیم نمیکنیم و رد میشیم.

یخ شکن ها

مثال:

{میخوایم درباره شغل خودمون صحبت کنیم} یه چیزی که تو شغلم خیلی دوست دارم اینه که مردم رو همیشه از حالت غم به شادی میبرم و دردشونو کم میکنم.

{میخوایم درباره محل تولد صحبت کنیم} تو جایی که من به دنیا اومدم هنوز از اسب و الاغ برای رفت و امد استفاده میکنن.
یکی از راه های قلاب گذاشتن عدم قطعیت نشون دادن برای گفتن یه حرف به دختره.

مثال:

{بحث لباس} راستی مینا باید یه چیزی بهت بگم.(بعد از ثانیه سکوت) نه هیچی ولش کن.
{بحث مهمونی} زهرا درباره اون مهمونی یه چیزی هست که نمیدونم بهت بگم یا نگم.

توی ۲ مثالی که بررسی کردیم هدف تحریک کردن دختر با این موضوعه که اصرار کنه ما بگیم قضیه از چه قراره.
حواسمون باشه استفاده از اینا باید قبل از موقعی باشه که گفت و گو یخ کنه و به سکوت طولانی برسیم.